

راه

فوق العاده

انتخاباتی "ع"

توده

۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۶

ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری

علیه رای مردم، کودتا خواهد شد؟

ایران در آستانه یک کودتای تمام و کمال است. شاید برای نخستین بار در جهان، قرار است چنین کودتائی از درون صندوق های رای برای انتخاب ریاست جمهوری بیرون بیآید. یعنی مردم رای به کس دیگری بدهند و کودتاچیان نام کس دیگری را بعنوان برنده انتخابات ریاست جمهوری اعلام کنند! منتخب مردم، بر اساس همه شواهد و قرائن، که تشدید بی سابقه توطئه ها در جمهوری اسلامی بهترین دلیل آنست، "محمد خاتمی" است و منتخب کودتاچیان "علی اکبر ناطق نوری"! این توطئه آنقدر آشکار است، که حتی خبرنگار خبرگزاری رویتر، که همراه خبرنگاران خارجی به ایران رفته تا از انتخابات ریاست جمهوری گزارش تهیه کند، در نخستین گزارش خود از تهران نوشت: «نفوذ خاتمی در میان عامه مردم انکارناپذیر است، اما این نفوذ عامه دلیل آن نیست که آقای ناطق نوری در انتخابات برنده نشود!»

تمام گزارش هائی که از تهران و شهرهای بزرگ ایران به ما رسیده، حکایت از صف بندی توده مردم در برابر روحانیون حکومتی، بازار و سران حزب "موتلفه اسلامی" دارد. با آنکه به توطئه ها و تدارکات کودتائی چهره اسلامی بخشیده اند، اما در این کودتا نیز مانند همه موارد مشابه آن در ایران و همه کشورهای کودتاخیز جهان سرم، اوباش، چاقو کش ها، معتادان، ماموران امنیتی و... بعنوان نیروی مردمی از سوی کودتاچیان سازمان داده شده و برای مرعوب ساختن مردم واقعی به حرکت درآمده اند. و باز مانند همه موارد مشابه، فرماندهان نظامی، طبقه و اقلیتی که منافع خود را در خطر دیده اند، در پشت صحنه، هدایت تمامی عملیات را برعهده داشته و از این عملیات حمایت نظامی و مالی می کنند.

صف آزائی مردم و ارتجاع مذهبی-بازاری در برابر هم، در تهران به گونه ایست، که خیزش های انقلابی سال ۵۷ را به یاد می آورد. دیوارهای شهر، در دل شب، به سرعت برق و باد مملو از شعار، خبر، پوستر و افشاگری می شود و صبح روز بعد باصطلاح بسیجی ها تحت حمایت واحدهای مسلح شعارها را پاک می کنند! توطئه ابطال آراء مردم به سود "ناطق نوری" آنقدر آشکار است و چنان در جامعه افشاء شده و مقابله با آن شکل گرفته است، که حتی مطبوعات رسمی کشور نیز چاره ای جز اشاره مستقیم و یا غیر مستقیم بدان ندیده اند! درباره این اشارات و حوادث و همچنین پیرامون ستاد کودتا و حامیان و سازمان دهندگان آن، انواع افشاگری ها در ایران و بویژه در تهران صورت گرفته است. ما برای آنکه با چهره امروز تهران و ایران، بسیج مردم برای مقابله با کودتاچیان، حوادثی که بر سرنوشت ایران تاثیر مستقیم خواهد گذاشت و درغین حال برای نشان دادن بی اطلاعی اپوزیسیون در لاک خود فرو رفته جمهوری اسلامی در خارج از کشور، از وضع واقعی داخل کشور چند نمونه از اخبار و افشاگری هائی که در تهران پخش است و بدست ما نیز رسیده را در زیر می آوریم:

من ناطقم!

«... مردم به حکم غریزه خود، فهمیده اند، که حکومت با رای آنها می خواهد چه کند و انواع مقابله را برای خنثی سازی آن سازمان داده اند. این شعار، که حالا نقل محافل و مجالس تهران است، از عمق درک مردم و شناخت و انشای توطئه ها حکایت دارد: «من ناطق نوری ام، مرا به نام ناطق می شناسند، به نوری معروفم، اما خاتمی صدایم می کنند.»

هنه می دانند که جناح راست انتخابات را باخته است و امروز هیچ چهره ای در جمهوری اسلامی باندازه "ناطق نوری"، طرد شده نیست! هر اندازه که جناح راست ارتجاعی بیشتر برای پیروزی ناطق نوری تلاش می کند، بیشتر در میان مردم بازشناخته و طرد می شود! نشریه "گل آقا"، که به محافل سیاسی جمهوری اسلامی دسترسی دارد و اغلب از خبرهای پشت صحنه نیز با اطلاع است، در شماره ۱۰ روز پیش خود به طنز نوشت: «پارسی را پاس بداریم: بنویسیم خاتمی، بخوانیم ناطق!»! او را دیروز، یعنی یک روز بعد از تعطیلات تاسوعا و عاشورا به دادگاه مطبوعات، که دبیر اجرایی حزب موتلفه اسلامی همه کاره آنست، بردند و به ۱۰ میلیون تومان جریمه محکوم کردند. هنر او نه در طنزی که بکار گرفته بود، بلکه در انشای علتی توطئه و تکرار حرف مردم در نشریه اش بود! علیرغم این جریمه، نشریه "گل آقا" دیروز (دوشنبه ۲۹ اردیبهشت) منتشر شد. روی جلد آن دو شیرغران را نشان می دهد که دور صندلی ریاست جمهوری می چرخند. تا اینجا، این طرح، حکایتی از حال و روز واقعی انتخاباتی ندارد، اما در کنار طرح دو شیر، چند چماق هم قرار دارد، که بلافاصله در ذهن مردم یادآور چماقداران انصار حزب الله است و تکلیف طرح مشخص، چرا که فقط یکی از آن دو شیر به زور چماق می خواهد رئیس جمهور شود و با همان چماق نیز به ریاست جمهوری ادامه بدهد. این طرح در واقع نوعی هشدار نسبت به آینده مملکت، تحت ریاست جمهوری ناطق نوری و هدایت کامل حجتیه و روحانیون ارتجاعی نیزهست: حکومت چماق!

بدین ترتیب، طرح گل آقا، بیم مطبوعات غیر رسمی و نیمه حکومتی را نیز نسبت به آینده خود نشان می دهد و مردم را به مقاومت در برابر آینده ای که می خواهند با چماق آنرا تحمیل کنند، به هوشیاری فرا می خواند!

نه تنها کوچکترین نشانه بی‌قیدی و یا بی‌تفاوتی، نسبت به انتخابات و یا رای دادن در مردم دیده نمی‌شود، بلکه عملکرد گروه‌های فشار حکومتی، آنها را مصمم‌تر نیز کرده است! و این برآستی همانقدر که موجب حیرت همگان شده، موجب بیم و هراس حکومت نیز شده است. همین بیم و هراس شاید موجب شود، تا بخشی از حکومت به عواقب تحمیل رئیس‌جمهور به توده مردم و مقاومت پس از انتخابات مردم در برابر آن بیشتر بیاندیشد! تردیدهای رهبر کنونی جمهوری اسلامی برای حمایت صریح و آشکار از ناطق نوری، با احتمال بسیار ریشه در این واقعیت دارد؛ واقعیتی که می‌تواند طرد عملی رهبر را نیز همراه ناطق نوری در برداشته باشد! و تحمیل کودتائی ناطق نوری به مردم و مقاومت مردم در برابر آن، عملاً سرنوشت خامنه‌ای و ناطق نوری را به یکدیگر گره بزند!

روحانیون وابسته به بازار و حزب بازاری "موتلفه اسلامی" با جلو انداختن "ناطق نوری"، بعنوان کارگزار خود و مجبور ساختن شورای نگهبان و بخشی از روحانیون حوزه علمیه قم به حمایت از وی، عملاً چنان گرهی را در کار حکومت به وجود آورده‌اند، که در پایان آن، چه ناطق نوری پیروز انتخابات اعلام شود و چه بازنده انتخابات، در هر دو صورت این طیف روحانیون به عنوان عاملین و هدایت‌کنندگان کودتا و مقابله با رای مردم باز شناخته شده و کارزار برای حذف آنها از صحنه ادامه خواهد یافت و شخص ناطق نوری نیز نه رئیس‌جمهور می‌تواند باشد و نه بازگشت او به مجلس اسلامی، بدلیل صحنه‌هایی که در حمایت از او، در هفته‌های اخیر مردم شاهدش بوده‌اند، به آسانی ممکن می‌شود! بدین ترتیب، تقلب در آراء مردم و بویژه صحنه‌هایی که در این روزها ارتجاع مذهبی و موتلفه اسلامی با پول بازار، در ایران و بویژه تهران به نمایش گذاشت، و مقاومتی که مردم به صورت خود جوش در برابر آن از خود نشان داده و می‌دهند، نقطه عطفی در روند رویدادها در ایران است! موقعیت علی خامنه‌ای نیز به این مجموعه گره خورده است. حمایت‌های تلویحی او از ناطق نوری، حمایت او از تصمیم حزب موتلفه اسلامی و بازار و غارتگران و ارتجاع مذهبی در ایران تلقی شده و این حمایت اگر ادامه یابد، او را در اذهان عمومی به مجری آشکار تصمیمات بازار و روحانیون بازاری تبدیل خواهد ساخت.

ستاد کودتا

از میان انواع افشاگری‌ها، شناسنامه‌ها و خبرنامه‌هایی که در این روزها در تهران و در وسیع‌ترین حدی که قابل تصور است، توزیع می‌شود، چند نکته خبری و چند افشاگری تکانه‌دهنده را در زیر می‌آوریم. این افشاگری‌ها، همگی از عمق توطئه کودتا، افشای شعبان‌بی‌مخ‌های جدید در جمهوری اسلامی و حمایت مالی بازار از این کودتا حکایت دارد. چند نمونه:

«... ستاد اصلی، برای رهبری حمایت از ناطق نوری در میدان بهارستان قرارداد دارد. این ستاد، که توسط نیروهای مسلح حفاظت می‌شود و افراد با سلاح بداخل آن رفت و آمد می‌کنند، یک سرش به مافیای مالی در جمهوری اسلامی بند است. پولی که به این ستاد می‌رسد افسانه‌ایست. ستاد شبانه روزی است! بسیاری از اوباش و سران شبکه‌های احتکار و گرانفروشی به این ستاد رفت و آمد دارند. فرماندهی ستاد به عهده "موتلفه اسلامی" است، که گروه‌های حمله و تخریب را سازمان داده است. آیت‌الله امامی کاشانی (دبیرجامعه روحانیت مبارز) و مهندس باهنر (عضو رهبری موتلفه اسلامی) باصطلاح رهبری فکری ستاد را برعهده دارند، اما این ستاد به آنچه که نیاز ندارد، فکر است و آنها که بی‌وقفه به آن رفت و آمد می‌کنند، دنبال پولند نه فکر! این ستاد یک نیروی امنیتی دارد، که فرمانده آن شخصی بنام "مهندس انصاری" است. او که لقب مهندس را از همین ستاد بصورت افتخاری گرفته، از چماق‌کش‌ها و چاقو‌کش‌های معروف دروازه غار تهران است. تنها تفاوت او با شعبان‌بی‌مخ، در انگشتر عقیق، ریش بلند و ذکر نام امامان است که بی‌وقفه بر زبان می‌آورد. البته او سرتیپ افتخاری سپاه نیز هست! عملیات ضربت ستاد انتخاباتی ناطق نوری توسط او هدایت و رهبری می‌شود. گروه‌های حمله، سوار بر وانت بارها به این ستاد آمده و پس از گرفتن فرمان و برنامه عملیاتی بار دیگر راهی شهر می‌شوند. همه آنها ریش بلند و تسبیح دارند. مردم با چشم خود شاهد این صحنه‌ها هستند. این ستاد یک فرمانده "تخریب فکری" هم دارد، که او را "دکتر عنایت" صدا می‌کنند. او از افسران سابق ساواک شاهنشاهی است. دکترای او نیز افتخاری است! شناسنامه‌های علیه خاتمی و شعارهای ضد او را وی می‌نویسد و آنچه را که او می‌نویسد ساعاتی بعد با استفاده از امکانات مالی و چاپخانه‌ای موتلفه اسلامی بصورت تراکت و اعلامیه در میلیون‌ها نسخه در سراسر ایران پخش می‌شود. هر صبح عصر کامیون‌های حامل تراکت‌ها و اعلامیه‌ها از این ستاد خارج شده و راهی محلات و ستادهای انتخاباتی دیگر در شهرستان‌ها می‌شود. ستاد مذکور توسط بسیج حفاظت می‌شود. برای چاپ یک پوستر روی کاغذ اعلا، یک انبار کاغذ در خیابان فدائیان اسلام، در انبار حاجی مرادی، از ثروتمندان وابسته به موتلفه اسلامی، تخلیه شده است. فاکتور این کاغذ یکصد میلیون تومان است! این تکیه کلام "مهندس انصاری" در ستاد تبلیغاتی موتلفه اسلامی، که آیت‌الله کاشانی رهبری فکری آنرا برعهده دارد، می‌باشد: «همه تیغ‌کش‌های تهران اینجا جمعند. یک بده در راه خدا، صد بگیر از بنده خدا». این ستاد، قبلاً ساختمان تلویزیون آموزشی بوده است! شکنجه‌گران زندان اوین و گوهر دشت، بازجوها، جوخه‌های اعدام قتل عام زندانیان، مأموران تیر خلاص و از همه نفرت‌انگیزتر، تواب‌های زندان‌ها، زیر نام بسیج توسط این ستاد رهبری می‌شوند. یک سر این ستاد نیز به زندان اوین و وزارت اطلاعات و امنیت وصل است. بنابراین، حوادث پس از پیروزی کودتاچیان را می‌توان حدس زد. "لنارات"، که ظاهراً ارگان بسیج حزب‌الله است، نشریه‌ایست که توسط تواب‌های پرورش یافته زیر دست اسدالله لاجوردی، از رهبران موتلفه اسلامی و قصاب اوین منتشر می‌شود. این نشریه غیر مجاز، که وزارت ارشاد اسلامی همه نوع به انتشار آن کمک می‌کند، در دومین ویژه‌نامه انتخاباتی خود که در یک و نیم میلیون تیراژ و در چاپخانه روزنامه کیهان چاپ شده، ضمن حمله به محمد خاتمی، نسبت به "کودتای خزنده فرهنگی-سیاسی" هشدار داده است. همه می‌دانند که آنها برای گمراه ساختن افکار عمومی از کودتای واقعی جانیان، غارتگران و مرتجعین چنین کودتائی را عنوان کرده‌اند. انجمن حجتیه نیز اعلامیه‌ای در حمایت از ناطق نوری منتشر ساخته، اما ستاد انتخاباتی موتلفه اسلامی، هنوز برای انتشار آن در تردید است! حجتیه می‌خواهد بدین طریق از پشت پرده بیرون آمده و فعالیت علنی و آشکار را در جمهوری اسلامی سازمان بدهد و رهبری علنی جمهوری اسلامی را برعهده بگیرد!

بازی با همه ورق‌ها

ارتجاع مذهبی-بازاری با همه ورق‌ها بازی می‌کند. در حالیکه انصارحزب‌الله و اعلامیه‌های بیرون آمده از ستاد انتخاباتی ناطق نوری با طرح خطر تهاجم فرهنگی، بی‌حجابی، بی‌بندوباری و این نوع مسائل به کارزار انتخاباتی ادامه می‌دهد، ناطق نوری در نطق‌های خود و برای شکستن رای محمد

خاتمی، چهره لیبرال می‌گیرد و در عین حال زد و بند با انگلیس و امریکا را حاشا می‌کند. او در مصاحبه تلویزیونی خود از جمله گفت: «ما به حداقل حجاب راضی هستیم، با امریکا رابطه نباید داشته باشیم، بخش خصوصی نباید زیاد تقویت شود، جوان‌ها آزادند و...»
 خبرنامه کارگزاران نوشت: ناطق نوری در جمع ۱۵۰۰ نفری کارکنان دخانیات گفت: «من رئیس جمهور" قول می‌دهم حقوق کارگران را بخوبی افزایش دهم». همین خبرنامه می‌نویسد: ناطق نوری در شهر قم رسماً اعلام کرد: «مذاکره لاریجانی با نیک براون انگلیسی به دو دلیل انجام شد. آن شخص نسبت به ایران سمپاتی دارد، رئیس منطقه خاورمیانه در انگلیس است و به زودی کاردار لندن در تهران می‌شود. البته مذاکره محرمانه و لازم بوده است».

عمق آگاهی مردم از توطئه‌ها و افشای توجیه زد و بندها با انگلیس را، مردم در تظاهرات اصفهان، به نمایش گذاشتند. در اصفهان وقتی انصار حزب الله با شعار "مرگ بر خاتمی" به مردم حمله کردند، مردم با شعار «مرگ بر انگلیس» به مقابله برخاستند. در آخرین تظاهرات مردم کردستان شعار این بوده است: «ناطق نوری نمی‌خوایم- رئیس زوری نمی‌خوایم»

نیروی مقاومت زیرزمینی

در برخی محافل سیاسی گفته می‌شود، از جانب دو گروه از طرفدار ناطق نوری و محمد خاتمی، دو تحلیل برای دخالت و جلوگیری از دخالت علی خامنه‌ای در انتخابات اخیر ارائه شده است. گویا "روحانیون مبارز" و سران "موتلفه اسلامی" برای اعلام حمایت او از ناطق نوری، به وی گفته‌اند «اگر ما رای نیآوریم، اسلام و روحانیت نابود می‌شود»

و از جانب طرفداران محمد خاتمی نیز به وی گفته شده است: «مردم به ناطق رای نمی‌دهند، بهتر است شما طرف مردم را بگیرید، اگر رای مردم را عوض کنند، نیروی جوان مملکت به زیرزمین خواهد رفت و ایران و اسلام نابود خواهد شد»

شاید متکی به همین اخبار محافل سیاسی تهران بود، که هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۲۶ اردیبهشت خود، از مسئولین خواست، تا در انتخابات تقلب نکنند و رای مردم را درست بخوانند. او در اشاره به میلیون‌ها نسخه اعلامیه و شبنامه‌ای که با پول بازار علیه محمد خاتمی منتشر می‌شود، گفت که تخریب شخصیت نامزدها را متوقف کنید! این سخنان رفسنجانی پیش از آنکه حمایت از محمد خاتمی باشد، بیم و هراس از درهم پاشی مجموع شیرازه حکومتی و آن مقاومتی است، که گویا نسبت به آن به علی خامنه‌ای نیز هشدار داده شده است. جلوگیری از پخش این سخنرانی رفسنجانی از شبکه تلویزیون سراسری و در ساعت همیشگی آن و پخش آن در آخرین ساعات شب، یک بار دیگر نشان داد، که تلویزیون نیز در طرح کودتا علیه رای مردم با بازار و ارتجاع مذهبی هماهنگ عمل می‌کند!

آنچه که در کارزار انتخاباتی اخیر انکارناپذیر است، نقش نیروی جوان کشور است. ستادهای انتخاباتی از سوی جوان‌ها، بصورت خود جوش و در محلات مختلف شمال و جنوب شهر سازمان یافته است. هیچ کس رهبری آنها را در دست ندارد. آنها به حکم عزیزه و شناختی که از عملکرد حکومت دارند، برای مقابله با ارتجاع مذهبی و غارتگران بازاری بسیج شده‌اند. مردم در تهران عکس خاتمی را روی تاکسی‌ها و اتومبیل‌های خود نصب می‌کنند و گروه‌های هدایت شده از سوی ستاد انتخاباتی موتلفه اسلامی در میدان بهارستان، با زنجیر و چماق به اتومبیل‌ها حمله می‌کنند. اگر برای کسی کوچکترین تردیدی درباره وابستگی "انصار حزب الله" به بازار وجود داشت، در جریان حمایت از ناطق نوری و رابطه آن با ستاد توطئه در میدان بهارستان، این تردید از بین رفت. آنها کوچکترین ارتباطی با بسیج و نیروهای مذهبی بازگشته از جنگ با عراق ندارند، بلکه عاملین استخدام شده از سوی موتلفه و بازار برای مقابله با مردم می‌باشند.

اوج گیری بی‌وقفه توطئه‌ها، دیدارها و جلسات پیاپی روحانیون حکومتی و سران موتلفه اسلامی، به میدان کشیده شدن همه امکانات مالی، نظامی و امنیتی از سوی غارتگران و ارتجاع مذهبی، پخش انواع تهمت‌ها، دروغ‌ها، تهدید مقامات محلی برای حمایت از ناطق نوری، زیربار نرفتن شورای نگهبان برای کنترل حوزه‌های رای گیری از سوی کاندیداها، تن ندادن به شمارش آراء توسط کامپیوتر، بخشنامه‌هایی که از سوی فرماندهان نظامی سپاه و بسیج برای حمایت از ناطق نوری و همسویی با "موتلفه اسلامی" صادر شده و همه هراسی که حکومت از رای مردم دارد، نشان می‌دهد، که تشدید فشارها و توطئه‌ها، مردم را مصمم‌تر از گذشته برای رفتن به پای صندوق‌های رای کرده است. این یک خیزش ملی است، که از آن باید به عنوان خواست و عزم توده مردم، دفاع کرده و سهم خود را در آن پذیرفت!

لنارات را چه کسی منتشر می‌کند؟

"لنارات"، که نام کامل آن «یا لنارات الحسین» است، نشریه‌ایست که در چهار سال گذشته در نماز جمعه‌ها مجانی توزیع می‌شود. آنرا نشریه "انصار حزب الله" و یا "حزب الله" می‌شناسند. گردانندگان پشت صحنه این نشریه، که بدون مجوز انتشار می‌یابد، همان‌ها هستند که برنامه تلویزیونی "هویت" را در ایران اداره می‌کنند. دومین ویژه نامه انتخاباتی این نشریه (علیه محمد خاتمی) در یک میلیون و پانصد هزار نسخه و در چاپخانه روزنامه کیهان چاپ شده است. این نشریه، که یک سر آن به وزارت اطلاعات و امنیت و سر دیگر آن به زندان اوین وصل است، زیر نظر "حسن شایان فر" انتشار می‌یابد. حسن شایان فر، با نام "معصومی" جزو گروه ایدئولوژیک زندان‌های کمیته، قزلحصار، رجائی شهر بود و یکی از چند نفری است که در قتل عام زندانیان سیاسی نظر می‌داد. او در عین حال و در سال‌های اخیر معاون سردبیر کیهان هوانی بوده است!

منتشر کنندگان این نشریه و هدایت کنندگان آن، شیفته قدرت "طالبان" در افغانستان هستند و اگر بتوانند، از آن تقلید خواهند کرد. حمایت انگلستان و امریکا از طالبان افغانستان، موتلفه اسلامی و روحانیون مرتجع ایران را تشویق به برقراری حکومتی شبه طالبان در ایران و جلب حمایت دو قدرت امپریالیستی کرده است. لنارات در آخرین شماره خود (۳۸)، تحت عنوان «هشدار در باره کودتای خزنده فرهنگی-سیاسی» و در جریان حمله تبلیغاتی علیه محمد خاتمی آن آینده فرهنگی را نوید می‌دهد که در صورت پیروزی کودتایی که تدارک دیده می‌شود، آنرا در ایران به اجرا خواهد گذاشت. این نشریه از جمله اتهامات محمد خاتمی را انتشار این نشریات و کتب اعلام می‌کند: «در زمان خاتمی آثار ضد انقلابی و مبتذل چون "شب ملخ"، نوشته جواد مجابی، "طوبی و معنای شب"، اثر شهرنوش پارس پور، "غریبه در شهر"، اثر غلامحسین ساعدی، "رازهای سرزمین من"، نوشته رضا براهنی،

"زمستان ۶۲"، نوشته اسماعیل فصیح و صدها عنوان کتاب دیگر که در آنها علنا به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی اهانت شده بود و یا در آنها فساد و بی بند و باری و ابتذال ترویج می گردید منتشر گردید.»

از ابتدائی ترین نکاتی که در جریان خواندن این نشریه خود را نشان می دهد، فارسی روان و کمتر آلوده به لغات و جمع عربی افعال مطالب آنست. این عرب زدگی اکنون آفتی است که همه نشریات حکومتی جمهوری اسلامی گرفتار آن هستند. این فارسی روان و حجم ۳۰ صفحه ای "گزارش" شماره ۳۸ همان اخبار و گزارش هائی را تأیید می کند که بر اساس آنها جمعی از توابعین زندان اوین، زیر نظر وزارت اطلاعات و امنیت و اسدا - الله لاجوردی این نشریه را منتشر می کنند. البته سردبیری آن نیز به عهده معاون کیهان هوائی است که در بالا بدان اشاره شد.

راه توده شماره ۶۰

"راه توده" بنا براهنیت رویدادهای مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، در فاصله شماره ۵۹-۶۰ تاکنون چهار فوق العاده منتشر ساخته است. از آنجا که شماره ۶۰ با توجه به رویدادهای ایران، پس از برگزاری انتخابات و با کمی تأخیر انتشار خواهد یافت، نامه زیر، که در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری برای ما ارسال شده، همراه با متنی که پیوست آن می باشد، عینا چاپ می شود.

انتخابات و تحریم فدائی ها

با سلام و امید پیروزی. همراه نامه، کپی نوشته ای که جمعی از دوستان سازمان فدائیان اکثریت برای نشریه "کار" فرستاده اند، می باشا "گر می توانید، مورد استفاده قرار دهید! امضاء"

«بالاخره سکوت نسبی را شکستید و موضع خود را در قبال انتخابات ریاست جمهوری بیان کردید. تاملتان را با خوشبینی دنبال کردیم و امیدوار بودیم این سازمان که زمانی یکی از شناسه های درخشانش، صداقت در گفتار و ایمان به مردم بود، حال نیز توانائی درک شرایط موجود و اتخاذ سیاستی معقول را داشته باشد.

دوستان، برای روشن تر کردن موضع و جلوگیری از سردرگمی بیشترتان، سعی می کنیم بیشتر از تحلیل خودتان استفاده کنیم و از نوشتن نظرات دیگر خودداری کنیم.

شما بدرستی انگشت بر روی

- تفاوت این دوره انتخابات با دوره های قبلی

- "حقیقت صف آرائی آشکار بین روحانیت-بازار و روشنفکران مذهبی"

- سعی و کوشش جناح رسالت برای "... قبضه تمام و کمال قوه اجراییه" و "قدرت سیاسی"

- تلاش جناح حاکم که "... به هر نحوی ناطق نوری را بر مسند ریاست برساند..."

- پیروزی احتمالی ناطق نوری و تسلط "... ارتجاعی ترین، سرکوب ترین و تاریک اندیش ترین نیروی نظام..." بر کشور و تشدید "... سرکوب نیروهای مخالف..."

گذاشته آید.

بعنوان یک نیروی سیاسی، راه حلی که پیشنهاد کرده آید چیست؟ آیا با عدم شرکت در انتخابات می توان از به قدرت رسیدن ناطق نوری جلوگیری کرد؟ اگر حتی به اخبار مندرج شده در "کار" توجه کنید، می بینید که چگونه جناح حاکم این سیاست مورد بیان شما را به پیش می برد. در مناطقی که احتمال شکست خوردن ناطق نوری بالاست، جناح حاکم سعی می کند با رعب و وحشت از رفتن مردم به پای صندوق های رای جلوگیری کند.

این اشتراک عمل را مردم ایران یک شوخی تاریخی ارزیابی خواهند کرد؟

شعار عدم شرکت در انتخابات می توانست اصولی بنظر آید، اگر هر دو جناح را دو روی یک سکه می پنداشتید، اما می دانید که اینچنین نیست. حتی بدرستی نوشته آید که در صورت پیروزی ناطق نوری «مردم ایران روزهای سیاه تر از امروز را بعد از انتخابات در پیش دارند».

برای کمک به مردم که دچار این سرنوشت نشوند، عدم شرکت در انتخابات نمی تواند درست باشد. (مگر اینکه تا آنجا از آرمان هایمان دست شسته باشید که غلط نبینید، کاری نکردن و تا انقلاب مهدی منتظر شدن را!)

عدم شرکت در انتخابات، اشتباه بزرگی است که سر چشمه آنرا می توان در سردرگمی فکر و عدم درک واقعیت ها یافت.

"جمعی از دوستان سازمان - برلین"

از فاکس و تلفن شماره ۳۲۰۴۵-۲۱۲۳-۴۹ (آلمان) می توانید برای تماس سریع با "راه توده" و ارسال اخبار و گزارش های خود استفاده کنید.